

## مقدمه مترجمان

می‌توان گفت اجماعی نسبی وجود دارد که رشته روابط بین‌الملل پس از یک جنگ بزرگ ایجاد شده، اما اینکه پس از کدام جنگ، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی مدعی‌اند رشته روابط بین‌الملل پس از جنگ پلوپونز ایجاد شد. برخی دیگر بر این باورند که جنگ‌های سی ساله و صلح وستفالی در سال ۱۶۴۸ را باید آغاز رشته روابط بین‌الملل قلمداد کرد، و بالاخره دیدگاه سوم مبتنی بر این است که رشته روابط بین‌الملل پس از جنگ جهانی اول به وجود آمد. هرچند اثبات یا رد هر یک از این سه دیدگاه تقریباً غیر ممکن است، اما بر اساس اینکه بیشتر اندیشمندان رشته روابط بین‌الملل از دیدگاه سوم حمایت می‌کنند می‌توان گفت رشته روابط بین‌الملل رشته‌ای جدید است که در قرن بیستم پا به عرصه وجود گذاشته است. از دید اسمیت و هولیس ما یک رشته<sup>۱</sup> روابط بین‌الملل نداریم، زیرا توافقی در مورد ماهیت امور بین‌الملل و شیوه‌های مناسب مطالعه آنها وجود نداشته و ندارد. از این رو می‌توان گفت که روابط بین‌الملل<sup>۲</sup> یک پژوهش یا مطالعه میان‌رشته‌ای<sup>۳</sup> است که نقطه اتصال مرکزی آن تلاش برای تبدیل آن به یک علم است، هرچند در این راه هم سنت تبیین و هم فهم تاریخی تأثیرگذار بوده‌اند. به عبارت دیگر، مطابق نظر اسمیت و هولیس اثبات‌گرایی مساوی علم نیست، بلکه گونه‌ای تلاش علمی است و گونه دیگر همانا سنت فهم است. این دو بر این باورند که می‌توان آغاز روند تاریخی روابط بین‌الملل را از ایدئالیسم دانست. سپس رئالیسم، رفتارگرایی، نئورئالیسم و در نهایت آلترناتیوهای کنونی شامل

---

1. discipline  
2. international relation  
3. inter-discipline

نظریه‌های انتقادی، پسامدرنیسم و غیره قرار می‌گیرند. کولین هی در کتاب ارزشمند *مقدمه‌ای بر تحلیل سیاسی* بر این باور است که می‌توان چهار نظرگاه یا دیدگاه<sup>۱</sup> در رشته روابط بین‌الملل تشخیص داد که اولین آنها نظرگاه ایدئالیسم است که ریشه در تاریخ علوم اجتماعی دارد، اما در دهه ۱۹۳۰ در رشته روابط بین‌الملل مسلط بوده است. این نظرگاه سپس با ظهور نظرگاه رئالیسم در دهه ۱۹۴۰ رو به افول می‌گذارد و اوج افول آن دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی است. البته هی معتقد است این نظرگاه بار دیگر از دهه ۱۹۶۰ با عنوان جدید نئولیبرالیسم مطرح شده و همچنان از اهمیت در رشته روابط بین‌الملل برخوردار است. اوج تسلط نظرگاه رئالیستی تا دهه ۱۹۷۰ میلادی است که از این زمان این نظرگاه نیز مورد انتقاد قرار می‌گیرد و هرچند تسلط خود در رشته را از دست می‌دهد، اما همچنان در قالبی جدید با عنوان نئورئالیسم به حیات خود ادامه می‌دهد. نظرگاه سوم از دید هی همانا پسامدرنیسم است که از دهه ۱۹۸۰ در رشته روابط بین‌الملل دارای اهمیت شده و در حال حاضر روز به روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. بالاخره نظرگاه سوم همانا سازه‌انگاری است که از دهه ۱۹۹۰ در رشته روابط بین‌الملل مطرح شده است. البته کولین هی معیاری مشخص برای تقسیم بندی خود ارائه نکرده است. همچنین اشمیت در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ و تاریخ‌نگاری رشته روابط بین‌الملل» معتقد است رشته روابط بین‌الملل به عنوان یک رشته چندنظریه‌ای از ابتدا تاکنون شامل مراحل ایدئالیست، رئالیست، رفتارگرا، پسارفتارگرا، پلورالیست، نئورئالیست، پساپوزیتیویست و سازه‌انگار بوده است.

نظریه‌های روابط بین‌الملل با همه تکثر و تنوعی که دارند از یک لحاظ به دو بخش نظریه‌های اندرکنش<sup>۲</sup> و نظریه‌های کنش<sup>۳</sup> تقسیم می‌شوند. نظریه‌های اندرکنش با روابط بازیگران در عرصه بین‌المللی سروکار دارند، در حالی که نظریه‌های کنش صرفاً با یک بازیگر (یا کنشگر) درون نظام بین‌الملل سروکار دارند. روابط بین‌الملل عبارت از مطالعه اندرکنش بازیگران عرصه بین‌المللی است، در حالی که سیاست

---

1. perspective  
2. interaction  
3. action

خارجی عبارت از مطالعه کنش بازیگران در عرصه بین‌المللی است. بدین ترتیب، نظریه اندرکنش عرصه بررسی روابط (سیاست، اقتصاد و فرهنگ) بین‌الملل است، در حالی که نظریه کنش عرصه بررسی سیاست خارجی است.<sup>1</sup>

سیاست خارجی به یک معنا عبارت از استراتژی‌هایی است که دولت‌ها جهت کسب اهداف خود در عرصه بین‌المللی اتخاذ می‌کنند. بر اساس این تعریف، در بررسی سیاست خارجی یک کشور باید به سه مسئله استراتژی‌ها (شامل تکنیک‌ها یا ابزارها)، اهداف (کوتاه‌مدت و درازمدت) و محیط بین‌المللی (نظام بین‌الملل) توجه کرد. در بحث استراتژی، نظریه پردازان روابط بین‌الملل و سیاست خارجی به ابزارهای سیاست خارجی از یک سو و سمت‌گیری‌های آن از سوی دیگر می‌پردازند. در ارتباط با سمت‌گیری‌های سیاست خارجی نیز از سه سمت‌گیری انزواطلبانه، عدم تعهد و ائتلاف‌سازی نام می‌برند. در بحث اهداف نه تنها اهداف کوتاه‌مدت هر کشور<sup>2</sup>، بلکه اهداف میان‌مدت و درازمدت<sup>3</sup> نیز مورد بحث قرار می‌گیرد. در این رابطه موضوع منافع ملی یک کشور از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است و چنین سعی می‌شود که برای ارزیابی سیاست خارجی یک کشور به میزان دستیابی به اهداف یا منافع ملی اشاره شده و بر این اساس میزان موفقیت یا عدم موفقیت سیاست خارجی مشخص شود. در مبحث محیط بین‌المللی نیز به موضوع نظام بین‌الملل و ویژگی‌های آن که ارتباط مستقیم با تحقق سیاست خارجی هر کشور و موفقیت یا عدم موفقیت آن دارد، پرداخته می‌شود. بر این اساس، نظام بین‌الملل در شکل‌گیری سیاست خارجی کشورها تأثیر بسزایی دارد که باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

مطالعه اندرکنش یا روابط بین‌الملل به قدمت خود دولت-ملت‌هاست. اما تحلیل سیاست خارجی به عنوان یک رشته متمایز تئوریک عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمد. در نظریه‌های سیاست خارجی، راه‌هایی که بازیگران و تصمیم‌گیرندگان به تحلیل موقعیت خویش می‌پردازند، اهداف خود را برمی‌گزینند، تصمیم می‌گیرند و در

---

1. Lerche, Charles O. and Abdul Aziz Said, *Concepts of International Politics in Global Perspective* (Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice-Hall, Inc., 1979), p. 9.

2. objectives

3. goals

نهایت اجرا می کنند مورد بررسی قرار می گیرد. در این بررسی مسائلی چون اهداف سیاست خارجی، ابزار آن، نحوه تصمیم سازی و تصمیم گیری، تحلیل تواناییها و مقدورات و تأثیر ساختار محیط بر سیاست خارجی بررسی می شود. آغاز کار رشته سیاست خارجی را معمولاً سه منبع عمده می دانند: مقاله جیمز روزنا با عنوان «پیش نظریه ها و نظریه های سیاست خارجی»، کتاب ریچارد اسنایدر و همکارانش با عنوان «تصمیم گیری به مثابه رویکردی در مطالعه سیاست بین الملل» و کتاب هارولد و مارگارت اسپروت با عنوان «فرضیه های مناسبات انسان-محیط درون عرصه سیاست بین الملل».<sup>1</sup> هر یک از این سه منبع نقشی محوری در گسترش مطالعات سیاست خارجی داشتند.

یکی از مهم ترین تأثیرات مقاله روزنا این بود که موجب شد اندیشمندان دیگر در رشته روابط بین الملل به دنبال ایجاد نظریه هایی عام و قابل کاربرد برای فهم رفتار خارجی دولتهای گوناگون به شکلی سیستماتیک و علمی برآیند. روزنا بر این باور بود که برای فهم سیاست خارجی نیاز مبرمی به نظریه های عام و قابل آزمون وجود دارد و به دنبال این بود که جهت آن را در مقاله اش مشخص سازد. از دید او برای فهم سیاست خارجی باید به مشاهده و مقایسه دولت-ملتهای مختلف پرداخت و از این طریق به نظریه هایی برای سیاست خارجی دست یافت.

کتاب ریچارد اسنایدر و همکارانش موجب تشویق پژوهشگران عرصه سیاست خارجی به نگاه به درون دولت-ملت به عنوان سطح تحلیل و تأکید بر بازیگران عرصه سیاست خارجی (تصمیم گیران و سیاست گذاران) گردید. در نتیجه اسنایدر و همکارانش بر این باور بودند که به جای بررسی نتایج سیاست خارجی، ضروری است که به تصمیم گیری در سیاست خارجی پرداخته شود. به عبارت دیگر، از دید آنان اگر کسی بخواهد چرایی حوادث، شرایط و الگوهای اندرکنش را که از کنش دولتها حاصل می شود درک نماید باید به تحلیل تصمیم گیری در سیاست خارجی بپردازد.

---

1. James Rosenau, "Pre-theories and Theories of Foreign Policy", in *Approaches in Comparative and International Politics*, edited by R. Barry Farrell (Northwestern University Press, 1966); Richard Snyder et al., *Decision-Making as an Approach to the Study of International Politics* (Princeton University Press, 1954); and Harold and Margaret Sprout, *Man-Milieu Relationship Hypotheses in the Context of International Politics* (Princeton University Press, 1956).

هارولد و مارگارت اسپروت بیشتر به بررسی زمینه‌ها و محیط سیاست خارجی می‌پردازند. این دو بر این باورند که فهم نتایج سیاست خارجی نیاز به فهم اقدامات یا تصورات برای اقدام دارد و فهم این اقدامات نیز به نوبه خود نیاز به فهم محیط روانی<sup>۱</sup> افراد و گروه‌های تصمیم‌گیرنده در سیاست خارجی دارد. از دید آنان، محیط روانی عبارت است از تصور و تفسیر تصمیم‌گیرندگان از زمینه بین‌المللی.

در مجموع آثار هر یک از این افراد تأثیرات مهمی را بر عرصه مطالعات سیاست خارجی گذاشت و با ارائه برخی خطوط کلی راهنما، راه مطالعات بعدی را هموار کرد. ویژگی‌های تئوریک این آثار را که بر مطالعات بعدی سیاست خارجی مؤثر بود می‌توان به این شکل خلاصه کرد:

- آگاهی از تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی در فهم ماهیت انتخابهایی که انجام می‌دهند با اهمیت است.

- از ویژگی‌های خاص تصمیم‌گیرندگان در کشورهای مختلف برای ایجاد نظریه‌هایی عام و میان‌برد استفاده می‌شود.

- باید سطوح تحلیل متعدد از خرد گرفته تا کلان برای نظریه‌پردازی در سیاست خارجی مورد استفاده قرار گیرد.

- مفاهیم و نظریه‌های علوم اجتماعی در کل می‌تواند به تلاش برای نظریه‌پردازی مساعدت کند.

- فهم فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی اگر نه بیشتر، به همان اندازه فهم نتایج سیاست خارجی اهمیت دارد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت این آثار دارای تأثیر تئوریک قابل توجهی در رشته سیاست خارجی بودند و موجب شکل‌گیری سه شاخه در مطالعات سیاست خارجی با عناوین «سیاست خارجی مقایسه‌ای»، «تصمیم‌گیری سیاست خارجی» و «محیط و زمینه سیاست خارجی» گردیدند.

---

1. psycho-milieu

در بخش سیاست خارجی مقایسه‌ای، پژوهشگران در پیروی از روزنا به دنبال ایجاد نظریه‌ای چندسطحی و چندملتی هستند که با انباشت داده‌های دقیق تجربی ممکن می‌شود. در این حوزه مطالعاتی عمدتاً روشهای کمی برای فهم سیاست خارجی به کار می‌رود. این پژوهشگران بر این باورند که می‌توان رفتار سیاست خارجی کشورها را در کل مورد مطالعه قرار داد و به نتایجی دست یافت. از این رو برای فهم سیاست خارجی به تحلیل حوادث سیاست خارجی یعنی آن چیزی که مظهر عملی سیاست خارجی است می‌پردازند. در نتیجه بررسی می‌کنند که چه کشوری نسبت به کدام کشور دیگر چه رفتاری را و چگونه انجام می‌دهد. این حوادث را می‌توان به شیوه‌های گوناگون تقسیم‌بندی کرد. مثلاً آیا رفتاری دوستانه بوده است یا خیر، از چه شیوه‌ای استفاده شده و چقدر منابع برای آن به کار رفته است.

در بخش تصمیم‌گیری سیاست خارجی، پژوهشگران بر فرایند و ساختار گروهها برای تبیین تصمیمات سیاست خارجی تأکید می‌ورزند. گروهها به ویژه سازمانها و بوروکراسیها برای فهم سیاست خارجی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. پرسشهای عمده‌ای که این پژوهشگران درصدد پاسخگویی به آنها برمی‌آیند عبارت‌اند از: مشکلات چگونه به وسیله گروه تشخیص داده می‌شوند؟ موقعیتهای چگونه درک می‌شوند و بازنمایی می‌گردند؟ گزینه‌ها چگونه پیدا شده و گسترش می‌یابند؟ چگونه یک گروه به تفسیری مشترک از موقعیت می‌رسد؟ چگونه یک گروه به دگرگون ساختن یک تفسیر حاکم می‌پردازد؟ چگونه یک گروه ابتکار به خرج می‌دهد و یاد می‌گیرد؟ چگونه خاطرات گروه بر کنشهایش تأثیر می‌گذارد؟ چگونه انواع مختلف شخصیت رهبری بر ساختار و فرایند گروههایی که در خدمت او هستند، تأثیر می‌گذارد؟ و بالاخره، چگونه ساختار و فرایند یک گروه با فرهنگ اجتماعی ارتباط می‌یابد؟

در بخش سوم یعنی محیط و زمینه سیاست خارجی، پژوهشگران با توجه به اینکه ذهن سیاست‌گذار خارجی لوحی نانوشته نیست به فهم سیاست خارجی اقدام می‌کنند. از این دید، ذهن سیاست‌گذار خارجی پر است از باورها، ایستارها، ارزشها، انتظارات، احساسات و تصورات از خود و دیگران. پژوهشگران در این بخش یا

عمدتاً بر جنبه‌های روان‌شناختی تأکید می‌ورزند و یا اینکه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی تصمیم‌گیری سیاست خارجی اشاره می‌کنند. این بخش در حال حاضر بر ویژگی‌های افراد، تصورات، جامعه و فرهنگ، پولیتی (جامعه سیاسی) و نظام بین‌الملل تأکید می‌کند.<sup>۱</sup>

ادبیات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در ایران در سالهای پس از انقلاب اسلامی رشد چشمگیری داشته است که البته بررسی این ادبیات و ویژگی‌های کمی و کیفی آنها می‌تواند وضعیت آنها را روشن‌تر سازد و بر پژوهشگران علم‌سنجی است که چنین اقدامی را انجام دهند. برای نمونه نگارنده در دو مقاله به بررسی کمی و کیفی متون درسی نظری روابط بین‌الملل در ایران که اساتید در تدریس دروس نظری مانند اصول روابط بین‌الملل (۱ و ۲)، نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل و نظریه‌های روابط بین‌الملل در سطوح کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری استفاده می‌کنند، پرداخته است. در این مقدمه نیز سعی می‌شود به صورت خیلی خلاصه به ادبیات مربوط به سیاست خارجی، به ویژه آنهایی که مربوط به نظریه‌های سیاست خارجی‌اند، اشاره‌ای شود.

هرچند حوزه مطالعاتی سیاست خارجی نسبت به سایر موضوعات علم روابط بین‌الملل در کشور ما با اقبال بیشتری روبه‌رو شده است، اما همچنان در این حوزه مطالعاتی نیز شاهد کاستیهایی به‌ویژه در زمینه تألیف و ترجمه کتب در مورد مباحث نظری و تئوریک سیاست خارجی هستیم. از مجموع قریب به ۱۵۰۰ عنوان کتاب فارسی که تا آذر ۱۳۹۰ در کتابخانه ملی ایران ذیل دو عنوان *سیاست خارجی* و *روابط بین‌الملل* به ثبت رسیده‌اند، در حوزه نظریه‌های سیاست خارجی بیش از ده کتاب وجود ندارد. از این میان بخش عمده کتابهای سیاست خارجی تنها اصول و منابع سیاست خارجی را به صورتی عام یا خاص در مورد جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارند که هرچند مفید است، اما یا بسیار مختصر است و یا به عنوان مدخل و

---

۱. حاجی یوسفی، امیرمحمد، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای* (۱۹۹۱-۲۰۰۱)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴، ص ۴۷-۵۱.

مقدمه برای بررسی موضوع مورد مطالعه‌شان بررسی شده است.<sup>۱</sup> برخی از این منابع به ارائه و بررسی برخی نظریه‌های سیاست خارجی پرداخته‌اند، اما با هدف ارائه چهارچوبی نظری یا مدلی بدیع و ابتکاری برای تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نه به شکل مستقل نگارش شده‌اند<sup>۲</sup> و برخی از کتابهای موجود تنها به

- 
۱. رجوع کنید به: قوام، عبدالعلی، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت، ۱۳۷۰؛ قوام، عبدالعلی، *روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها*، تهران: سمت، ۱۳۸۸؛ حقیقت، صادق، *مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵؛ سیف‌زاده، سیدحسین، *اصول روابط بین‌الملل الف و ب*، تهران: میزان، ۱۳۸۰؛ محمدی، منوچهر، *اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶؛ محمدی، منوچهر، *سیاست خارجی ایران: اصول و مسائل*، تهران: دادگستر، ۱۳۸۸.
۲. رضائی، روح‌الله، *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی ج.ا.ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰؛ سریع‌القلم، محمود، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹؛ ازغندی، سیدعلیرضا، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، *چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت، ۱۳۸۸؛ دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و وحید نوری، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰؛ سجادی‌پور، محمد کاظم، *سیاست خارجی ایران: چند گفتار در عرصه‌های نظری و عملی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۱؛ سجادی‌پور، سید کاظم، *چارچوبی مفهومی و پژوهشی برای مطالعه سیاست خارجی ایران*، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳؛ حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، *ایران و خاورمیانه: گفتارهایی در سیاست خارجی ایران*، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۳؛ حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، *سیاست خارجی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای ۱۹۹۱-۲۰۰۱*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴؛ تاجیک، محمدرضا، *سیاست خارجی: عرصه فقدان تصمیم و تدبیر*، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۳؛ احتشامی، انوشیروان، *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین‌چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸؛ مولانا، حمید و منوچهر محمدی، *سیاست خارجی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، تهران: دادگستر، ۱۳۸۷؛ محمدی، منوچهر، *آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی ج.ا.ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۶؛ سلیمانی، رضا، *سیاست خارجی دولت خاتمی: دیپلماسی* ←

بررسی یکی از ابعاد سیاست خارجی چون مسائل اقتصادی، فرهنگی و ژئوپلیتیکی پرداخته‌اند.<sup>۱</sup> باید اشاره کرد از مجموع کتابهایی که به تازگی از طریق ترجمه به حوزه مطالعات سیاست خارجی نیز افزوده شده است، هیچ‌یک به معرفی جامع نظریه‌های سیاست خارجی نپرداخته، بلکه در چهارچوب موضوع مورد بحث خود در کتابشان در قالب یک فصل به ارائه مباحث نظری اهتمام ورزیده‌اند.<sup>۲</sup>

در حوزه کتابهای فارسی موجود در زمینه نظریه‌های سیاست خارجی نیز باید گفت مباحث مربوط به شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی<sup>۳</sup> بیش از سایر بخشها مورد توجه قرار گرفته‌اند، به نحوی که پنج کتاب از مجموع ده کتاب نظری

---

→ تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها، تهران: کویر، ۱۳۸۸؛ سیف‌زاده، سیدحسین، سیاست خارجی ایران: رهیافتی نظری - رویکردی عملی، تهران: میزان، ۱۳۸۴، سیف‌زاده، سیدحسین، سیاست خارجی ج.ا.ایران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۷؛ صفوی همای، سید حمزه، کالبد شکافی سیاست خارجی ج.ا.ایران، تهران: دانشگاه امام صادق(ع) و وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.

۱. اطاعت، جواد، ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران، تهران: انتخاب، ۱۳۸۵؛ ادیب‌زاده، مجید، زبان، گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۷؛ صفی، محمد، ژئوپلیتیک فرهنگی، تهران: شمس، ۱۳۸۰؛ موسوی شفایی، مسعود، توسعه‌گرایی الزام سیاست خارجی ایران: چالشها و فرصتها، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷.

۲. میرشایمر، جان، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۸؛ چرنوف، فرد، نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل: مفاهیم و تفسیرهای متعارض، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸؛ لیتل، ریچارد و مایکل اسمیت، دیدگاهی درباره سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.

۳. سیف‌زاده، سیدحسین، مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۴؛ خوشوقت، محمدحسین، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران: نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵؛ سنایی، اردشیر، اصول روابط بین‌الملل (۲): تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، تهران: نشر کلک سیمین، ۱۳۸۹؛ آلیسون، گراهام تی، شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی؛ تفسیری بر بحران موشکی کوبا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴؛ اسنایدر، ریچارد کارلتن، تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، ترجمه محمدجعفر جوادی ارجمند و مجید فرهام، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.

به این موضوع پرداخته‌اند. شاید بتوان اشاره کرد که اهمیت نظریه‌های تصمیم‌گیری از یک‌سو و تلاش برای توضیح دوره‌های مختلف سیاست خارجی در ایران از سوی دیگر سبب تأکید بیشتر بر نظریه‌های تصمیم‌گیری و غنای بیشتر کتب در این زمینه شده است. از پنج کتاب موجود علی‌رغم هم‌پوشانی زیاد در مباحث باید به نکاتی دقت کرد. کتاب سنایی (۱۳۸۹) مختصرتر و بسیار ساده‌تر از سایر کتب در این حوزه است و به نظر می‌رسد هدف از نگارش آن ارائه یک کتاب درسی در مقطع کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی بوده است. کتاب آلیسون (۱۳۶۴) به عنوان کتابی مرجع مورد توجه می‌باشد، هرچند تجدید چاپ از این کتاب صورت نگرفته است و محتوای آن قدری قدیمی شده است.

کتاب *مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی* نگاشته حسین سیف‌زاده (۱۳۸۴) نیز در دو بخش مبانی مؤثر بر شکل‌گیری و اجرای سیاست خارجی و روشها و مدل‌های تصمیم‌گیری نوشته شده است. سیف‌زاده در بخش اول کتاب بر سه موضوع محوری محیط عملیاتی، ارزشها و نگرشها تأکید می‌کند و درصدد است تا در این بخش به تعریف انواع اهداف و استراتژیها در سیاست خارجی، منافع ملی و ساختار نظام بین‌الملل به عنوان نظام عملیاتی دست زند. وی در بخش دوم کتاب، مدل‌های گوناگون تصمیم‌گیری را از آلیسون، اسنایدر، پوچولا، جانسون، مدلسکی و روزنا توضیح می‌دهد و معتقد است تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیرها نیز باید با توجه به سطوح تحلیل ساختار نظام بین‌الملل و دولت صورت پذیرد. سیف‌زاده در پایان، مدلی تلفیقی از خود نیز برای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ارائه می‌دهد. علی‌رغم جامعیت و غنای مطالب این کتاب در حوزه تصمیم‌گیری، همان‌گونه که نگارنده خود نیز در مقدمه کتاب به آن اشاره می‌کند بخشهایی از کتاب پیچیده بوده و به سادگی قابل درک نیست.

شاید کتاب *تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری* نوشته محمدحسین خوشوقت (۱۳۸۵) را بتوان به چند دلیل بهتر از سایر کتب در این حوزه دانست. از یک‌سو کتاب از جامعیت در بحث نظری برخوردار است، به نحوی که نظریه‌های

#### چهارده

تصمیم‌گیری را از منظر رفتار گرایان، سنت‌گرایان و فرارفتار گرایان طرح می‌کند؛ از سوی دیگر کتاب در زمینه سطوح تحلیل و عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری (امکانات و محدودیت، فرایند تصمیم‌گیری، چگونگی انتخاب خط‌مشی، انواع تصمیم‌گیری و ارزیابی تصمیمات) از جامعیت خوبی برخوردار است و نگارش روان کتاب نیز به فهم عمیق خواننده کمک می‌کند. این کتاب علی‌رغم نکات مثبت تنها به بحث در مورد تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و ارزیابی آن در حوزه سیاست خارجی می‌پردازد و به همین علت نمی‌تواند به عنوان منبعی جامع برای مطالعه نظریه‌های سیاست خارجی مورد استفاده قرار گیرد.

جدیدترین کتاب انتشار یافته در زمینه تصمیم‌گیری در سیاست خارجی نیز نگاه‌اشته اسنایدر (۱۳۸۹) است. هر چند بخشهای ابتدایی این کتاب به دوران جنگ سرد و اولین نگاه‌اشته‌های اسنایدر بازمی‌گردد، اما اصلاحات و اضافات این کتاب آن را به منبعی جدید و قابل تأمل تبدیل کرده است. محور این کتاب بر پایه نظریه‌های تصمیم‌گیری اسنایدر و همفکرانش قرار دارد و در آن تلاش می‌شود موفقیت این تئوری از دهه ۱۹۶۰ تاکنون نشان داده شود. مبنای تفکر این گروه نیز تأکید بر نقش فرد و عوامل فردی در حوزه تصمیم‌سازی است. باید گفت کتاب به دلیل ارائه نظریاتی متفاوت، تحلیلی و البته جدید در مقایسه با سایر کتابهای این حوزه بسیار مثبت ارزیابی می‌شود، هر چند همانند سایر منابع معرفی شده تا اینجا تنها به معرفی بخش کوچکی از نظریه‌های سیاست خارجی اهتمام می‌ورزد.

هر چند در بیشتر کتابهای موجود در سیاست خارجی فصلی به عنوان چهارچوب نظری اختصاص یافته و یک یا چند نظریه در آن معرفی شده است که کتاب سید جلال دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۸) را در این زمینه شاید بتوان از سایر کتب کامل‌تر دانست، اما در این کتاب و سایر کتب نیز با اشاره به کلیات و نگاهی گذرا به یک یا بخشی از نظریه‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی عملاً از ورود به بحث معرفی و تحلیل شاخصهای عملیاتی هر یک از نظریه‌ها در حوزه سیاست خارجی اجتناب شده و به بیان کلیاتی از مجموعه نظریه‌های روابط بین‌الملل اکتفا گردیده است. ناشر در مقدمه کتاب

دهقانی آن را برای درس سیاست خارجی ایران در مقطع کارشناسی مفید دانسته و در واقع بحث تجزیه و تحلیل سیاست خارجی بر عهده این منبع درسی قرار نمی‌گیرد. در ادامه مهم‌ترین کتب موجود نظری به زبان فارسی در حوزه سیاست خارجی را معرفی می‌کنیم.<sup>۱</sup> دو کتاب بسیار خوب در حوزه نظریه‌های روابط بین‌الملل و همچنین سیاست خارجی که متن درسی در دانشگاه‌های غربی هستند کتاب *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل* نوشته جیمز دوئرتی و رابرت فالتگراف (۱۳۷۴) و کتاب *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل* اثر هالستی (۱۳۸۵) است که به زبان فارسی برگردانده شده‌اند. ذکر چند نکته در مورد هر دو کتاب ضروری است: ابتدا اینکه هر دو کتاب عمدتاً بر نظریه‌های روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل تأکید داشته و تنها بخشهایی از این کتابها برای مطالعه در زمینه سیاست خارجی مفید است. دوم آنکه چون ویراستهای بعدی هر دو کتاب مورد ترجمه در ایران قرار نگرفته است مباحث جدید روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را نمی‌توان در آنها یافت و اگر بخواهد مورد استفاده به عنوان متن درسی قرار گیرد باید کتب به روزتر نیز در کنار این دو معرفی شود. در مجموع می‌توان گفت به رغم اینکه این دو کتاب، متون درسی بسیار ارزشمندی در نظریه‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی هستند، اما نمی‌توانند به صورت مستقل به عنوان منبعی مفید برای تجزیه و تحلیل و شناخت جامع بحث سیاست خارجی کافی باشند.

اما جدیدترین کتاب نظری در حوزه سیاست خارجی با عنوان *ماهیت متحول سیاست خارجی* نگاشته کریستوفر هیل (۱۳۸۷) است. در این کتاب تلاش می‌شود شکافهای ناشی از نگاههای تک‌بعدی در حوزه سیاست خارجی رفع گردد. در واقع

---

۱. هالستی، کی. جی، *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: نشر وزارت خارجه، ۱۳۸۵؛ دوئرتی، جیمز و رابرت فالتگراف، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: قومس، ۱۳۷۶؛ هیل، کریستوفر، *ماهیت متحول در سیاست خارجی*، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.

نویسنده می‌خواهد به نوعی به مفهوم‌سازی سیاست خارجی برسد که از یک سو سودمندی یک موضوع دانشگاهی را بدون توجه به کنشها و تصمیمات آشکار سازد که در اصل نقطه جدایی این کتاب از پنج کتاب توضیح داده شده در فوق است و از دیگر سو مجادلات عمومی درباره امور بین‌المللی را به سوی درک تعامل دولت و محیط خارجی آن هدایت کند. هدف کتاب حاضر بازسازی مفهوم سیاست خارجی فارغ از یک مکتب خاص یا تکیه بر سنت روش‌شناختی است که روی یک پارادایم واحد و یک گفتمان مشترک تأکید می‌کند. این کتاب در سه بخش کارگزاری (تعریف و ابعاد سیاست خارجی، بازیگران، کارگزاران، عقلانیت و نحوه اجرا در سیاست خارجی)، محیط بین‌المللی (نظام آنارشی و صورت‌بندیهای جدید فراملی) و در نهایت مسئولیت (شامل سرچشمه‌های داخلی سیاست خارجی، موکلان و هدف سیاست خارجی) ارائه می‌شود. نویسنده این کتاب تلاش می‌کند نگاهی کلان را به خواننده و فارغ از نظریه‌های خاص در سیاست خارجی برای تحلیل و ارزیابی سیاست خارجی کشورها ارائه کند. این مسئله از یک سو نقطه قوت کتاب است، اما از سوی دیگر نقطه ضعف آن محسوب می‌شود چون به بررسی جداگانه و تفصیلی نظریه‌های سیاست خارجی نمی‌پردازد.

با این مقدمه ضرورت چاپ کتابی که از یک سو به معرفی تمامی تئوریهای سیاست خارجی و فارغ از نگاه بخشی به یک حوزه پردازد و از سوی دیگر از نظر کمی و محتوایی بتواند به عنوان منبعی مناسب برای درس تجزیه و تحلیل سیاست خارجی در دانشگاههای کشور مورد استفاده قرار گیرد احساس می‌شود. مترجمان این کتاب با چنین دیدی به دنبال کتابی درسی بودند که ترجمه آن بتواند تا حدی این خلأ را پر کند و از این رو کتاب *نظریه‌های سیاست خارجی ویراسته استیو اسمیت، امیلیا هدفیلد و تیم دان* را انتخاب کردند. این کتاب دارای سه بخش است. در بخش اول نویسندگان پس از مقدمه‌ای گویا درباره رشته سیاست خارجی سه نظریه عمده در این حوزه یعنی واقع‌گرایی، لیبرالیسم و سازه‌انگاری را معرفی می‌کنند. بخش دوم کتاب به مباحث محیطی سیاست خارجی شامل محیط ذهنی و عینی می‌پردازد که شامل موضوعاتی

چون بازیگران، تصمیم‌گیری، بافتار، رسانه و افکار عمومی، اولویتهای امنیت ملی، عوامل اقتصادی و وظایف فرامرزی کشور می‌شود. بخش سوم و پایانی کتاب نیز به بررسی سیاست خارجی در عمل پرداخته و سیاست خارجی برخی کشورها مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. ترجمه پیش رو فقط بخش اول این کتاب را شامل می‌شود. مترجمان به سبب خالی بودن جای یک متن درسی برای دروس نظریه‌های سیاست خارجی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد اقدام به ترجمه بخش اول و انتشار آن کردند. در همین فاصله بخش دوم کتاب نیز در حال ترجمه است که امید می‌رود با فاصله‌ای کم بعد از انتشار بخش اول منتشر شود. این ترجمه کار مشترک اینجانب با دو تن از دانش‌آموختگان دکتری علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی آقایان محسن محمودی و ایوب کریمی است که جا دارد در اینجا از همت، دقت و فرزاندگی این دو عزیز تشکر نمایم. همچنین باید از آقای مهدی فرازی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی پژوهشگاه فرهنگ و علوم انسانی، که در جمع‌آوری منابع لازم برای نگارش این مقدمه و نگارش یک سابقه تحقیق در این حوزه مرا همراهی کرده و مساعدت نمودند، تشکر نمایم. از دوست عزیزم آقای ابوالفضل معصومی، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اتاوا/کانادا، که چون می‌دانستند اینجانب به دنبال خریداری کتاب هستم آن را تهیه کرده و هدیه نمودند، بی‌اندازه متشکرم. در نهایت از سازمان «سمت»، به ویژه جناب آقای دکتر ابراهیم برزگر مدیر گروه علوم سیاسی، سرکار خانم منصوره مستوفی، اساتیدی که در ارزیابی محتوایی و برگردان کتاب به فارسی مشارکت داشتند و همه دست‌اندرکاران نشر این کتاب تشکر و قدردانی می‌نمایم. امید است این کتاب مورد استفاده اساتید و دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، به ویژه در دروس نظریه‌های سیاست خارجی، قرار گرفته و ما را از دیدگاههای خود بهره‌مند سازند.

دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی  
دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل  
دانشگاه شهید بهشتی  
زمستان ۱۳۹۰

## پیشگفتار

جیمز روزنا

[نگارش] مقاله من درباره تحلیل سیاست خارجی در واقع از کلاس درسم آغاز شد. می‌خواستم برای دانشجویان توضیح بدهم چه متغیرهایی در تحلیل پویاییهای سیاست خارجی نقش کلیدی دارند. نتیجه این امر، جدولی هشت ستونی بود که اهمیت نسبی پنج متغیر کلیدی را در هشت کشور فهرست می‌کرد (روزنا، ۱۹۶۶). این جدول که کماکان تدریس و پژوهش مرا تحت تأثیر قرار داده، به‌طور ضمنی شالوده برخی از فصلهای این کتاب را تشکیل می‌دهد. نیازی به گفتن نیست که مفتخرم این کتاب به مقاله من در این حوزه نظر دارد.

من این جدول هشت ستونی و توصیف آن را یک «پیش‌نظریه سیاست خارجی»<sup>۱</sup> نامیده‌ام. جدول مزبور توجه بسیاری از همکاران دانشگاهی را در اطراف و اکناف کشور برای برپایی مجموعه‌ای از کنفرانسها برانگیخت تا جوانب مختلف پیش‌نظریه را بررسی کنند، امری که به نوبه خود به انتشار مجموعه مقالاتم که در کنفرانسهای مختلف ارائه شده بود، منجر شد (روزنا، ۱۹۷۴). این همکاری میان حدود بیست اندیشه‌ورز که علاقه‌مند به مقایسه سیاست خارجی بودند به ایجاد «پروژه سیاست خارجی مقایسه‌ای میان دانشگاهی»<sup>۲</sup> منجر شد. اعضای پروژه مزبور به مدت شش سال با هم در تماس دائم ماندند و نشان دادند که همکاران با ذهنیت مشابه می‌توانند منابعشان را یک کاسه کنند و در دوره‌ای که حمایتها برای پژوهشهای مقایسه‌ای و کمی کاهش یافته به همکاریهای خود در ده دانشگاه کشور ادامه دهند.

- 
1. Jams N. Rosenau
  2. pre-theory of foreign policy
  3. inter-university comparative foreign policy

نورده

برخی از منابع محتمل چندپارگی در چهار سطح تجميع

سطوح تجميع				منابع چندپاره شدن
خرد	کلان	کلان	کلان-کلان	خرد-کلان
افقهای مردم را در یک سطح جهانی گسترش می‌دهد؛ آنها را به ربط حوادث رخ داده در مناطق دوردست حساس و آگاه می‌کند؛ بازگشت به دغدغه‌های محلی را تسهیل می‌کند.	ظرفیتهای کارگزاریهی حکومتی برای اندیشیدن «خارج از چهارچوب»، توانایی استفاده از فرصتها و تحلیل چالشها را گسترش می‌دهد.	کمیت را چند برابر می‌کند و کیفیت پیوندهای میان دولتها را ارتقا می‌دهد و اتحادها و خصومت‌هایشان را تقویت می‌کند.	سیاست گذاری را به واسطه ظرفیت افزایش یافته افراد برای شناخت چرایی، کجایی و چگونگی تعامل در کنش جمعی محدود می‌سازد.	انقلاب مهارتی
وفاداریها را بازتنظیم می‌کند؛ افراد را ترغیب می‌کند که معیارهای کارکردی اقتدار را جایگزین معیارهای سنتی آن کنند.	توانایی دولتها و سایر سازمانها برای شکل‌دهی و اجرای سیاستها را تضعیف می‌کند.	توانایی NGOها و NGOها را گسترش می‌دهد؛ احتیاطهای دیپلماتیک در مذاکرات را ترغیب می‌کند.	ظرفیت مردم برای فشار آوردن یا از کار انداختن دولتها، سازمان تجارت جهانی و سایر سازمانها را تسهیل می‌سازد.	بحرانهای اقتدار

## ادامه جدول

منابع چندپاره شدن	سطوح تجميع	خرد	کلان	کلان- کلان	خرد- کلان
انشعاب ساختارهای جهانی		بر تعارضات نقشی می‌افزاید، وفاداریها را تقسیم می‌کند و تششهای میان افراد را برمی‌انگیزد؛ مردم را به سمت فضاهای محلی اقتدار هدایت می‌کند.	شکل‌گیری فضاهای جدید، اقتدار و تحکیم فضاهای موجود در جهان چند مرکزی را تسهیل می‌کند.	ترتیبهای نهادی برای همکاری در مسائل مهم جهانی مانند تجارت، حقوق بشر، محیط زیست و غیره را پدید می‌آورد.	گروههای حامی فراملی و منافع خاص برای اعمال نفوذ از طریق کانالهای خاص را تقویت می‌کند.
انفجار سازمانی		هویتها، خرده‌گروه‌گرایی و وابستگی به شبکه‌های فراملی را تسهیل می‌کند.	ظرفیت گروههای مخالف برای شکل‌دهی و فشار آوردن برای سیاستهای اصلاحی را افزایش می‌دهد، مردم را از نخبگان‌شان جدا می‌کند.	صحنه جهانی را فراملی‌تر ساخته و آن را با بازیگران غیر دولتی متراکم‌تر می‌نماید.	به پلورالیسم و توزیع اقتدار یاری می‌رساند؛ امکان وقوع بحران اقتدار را افزایش می‌دهد.
تحرك پذیری فراوان		تخیلات را برمی‌انگیزد و تماسهای گسترده‌تری با فرهنگهای خارجی فراهم می‌کند؛ اهمیت خارجیها را افزایش می‌دهد.	اندازه و اهمیت خرده فرهنگها، دیاسپوراها و تعارضات قومی مردمی که در جستجوی فرصتهای تازه در خارج هستند را افزایش می‌دهد.	نیاز به همکاری بین‌المللی برای کنترل جریان مواد مخدر، پول، مهاجران و تروریستها را افزایش می‌دهد.	تحركات را در پیرامون مرزها افزایش می‌دهد که ظرفیت دولت برای کنترل مرزهای ملی را کاهش می‌دهد.

## بیست و یک

## ادامه جدول

سطوح تجميع		منابع چندپاره شدن		
خرد	کلان	کلان	خرد	
فناوری میکروالکترونیک	افراد با ذهنیتهای مشابه را قادر می‌سازد در هر نقطه از جهان با یکدیگر تماس برقرار سازند.	دولتها را قادر می‌سازد، حمایت مردم را برای خود بسیج کنند؛ اسرار دولتی را در مقابل جاسوسی آسیب‌پذیر می‌سازد.	فرایندهای دیپلماتیک را شتاب می‌بخشد، نظارت الکترونیک و اعمال جاسوسی را تسهیل می‌کند.	با قادر ساختن گروههای مخالف به بسیج نمودن بهتر خود، دولتها را محدود می‌سازد.
تضعیف قلمرو سرزمینی، دولتها و حاکمیت	وفاداریهای ملی را تضعیف نموده و بی‌اعتمادی به دولت و سایر سازمانها را افزایش می‌دهد.	نفوذپذیری مرزهای ملی را افزایش می‌دهد و سیاست‌گذارهای ملی را دشوارتر می‌سازد.	نیاز به همکاری میان‌دولتی در مورد مسائل جهانی را افزایش می‌دهد؛ توانایی نظارت و کنترل بر حوادث مختلف را کاهش می‌دهد.	اعتماد به دولت را کاهش می‌دهد؛ ایجاد و حفظ اجماع سراسری را دشوار می‌سازد.
جهانی شدن اقتصادهای ملی	تعداد مصرف‌کنندگان را بالا می‌برد؛ سلیقه‌های همسان را تقویت می‌کند؛ دغدغه‌های شغلی را افزایش می‌دهد.	وظایف دولت در قبال بازار را پیچیده‌تر می‌کند؛ اتحادهای تجاری-اقتصادی را افزایش می‌دهد.	تعارضات سرمایه‌گذاری و تجارت را افزایش می‌دهد؛ مشوقهایی برای ایجاد نهادهای مالی بین‌المللی فراهم می‌کند.	تلاش در جهت حمایت از فرهنگها و صنایع ملی را افزایش می‌دهد؛ قدرت جنبشهای مخالف را تقویت می‌کند.

## بیست و دو

جدول مزبور تحت تأثیر شرایط رشته مربوطه در آن زمان قرار داشت، دوره‌ای که مقایسه بسیار باب شده بود و تصورم این بود که پدیده‌های سیاست خارجی همان قدر که موضوع هر فرایند سیاسی دیگری هستند، موضوع تحلیل مقایسه‌ای نیز می‌باشند. در واقع، این نکته همچنان برای من جالب توجه است که هیچ تحلیل‌گری در گذشته پژوهشی مقایسه‌ای در این باره انجام نداده بود که کشورهای مختلف چه وقت، چگونه و چرا خود را به نظام بین‌الملل پیوند دادند. در نگاهی دیگر، به نظر بدیهی می‌رسد که پیش‌نظریه نه تنها به دلیل اینکه بر نیاز به تحلیل مقایسه‌ای تأکید می‌کند بلکه به دلایل مختلف دیگری که مبنای علاقه به «پروژه سیاست خارجی مقایسه‌ای میان‌دانشگاهی» را شکل می‌دهند، توجه‌ها را برانگیخته است. نخستین دلیل اینکه پیش‌نظریه، ابزاری برای تحلیل سیاست خارجی در سالهای گذشته و نیز پیش‌بینی پیشرفتهای آتی در رفتار بیرونی کشورها ارائه کرده است. دوم، همان گونه که در ادامه تأکید می‌شود، پیش‌نظریه امکان قرار دادن سیاست خارجی و داخلی زیر یک چتر تحلیلی واحد را فراهم کرده است. سوم، پیش‌نظریه محاسن مطالعات موردی را به عنوان مبنایی برای مقایسه، تحلیل و تفسیر پدیده‌های سیاست خارجی مورد تأکید قرار داده است. همه این ویژگیهای مهم رشته مزبور در فصول تشکیل‌دهنده این کتاب به‌طور کامل ارائه شده است.

از زمان تأسیس «پروژه سیاست خارجی مقایسه‌ای میان‌دانشگاهی» پیشرفتهای زیادی در این رشته رخ داده است. این واقعیت که حوزه مزبور امروزه یک «رشته» شناخته می‌شود، فی‌نفسه نشان می‌دهد با چه اطمینان بالایی تأسیس شده است. با این حال، باید اذعان کرد شناخت رشته مزبور چندان آسان نبوده است. برعکس، برخی از جنبه‌های کلیدی این رشته مشکلات تحلیلی دشواری را مطرح می‌سازد. اگر سیاست را به صورت فرایندهای تلاش برای کنترل اعمال و نگرشهای دیگر بازیگران در محیطهای دور تعریف کنیم، تعریفی که همواره در اطلاق به مواد تجربی، درست و ارزشمند دانسته‌ام (روزنا، ۱۹۶۳)، آنگاه نتیجه این می‌شود که

تحلیل باید بر طیف گسترده‌ای از پدیده‌ها - از افراد و جهت‌گیریهایشان تا گروه‌ها و نهادهایی که پایه‌های جوامع، اقتصادها و حکومتها را شکل می‌دهند - متمرکز شود. کوتاه اینک، تنها بخش اندکی از رفتار آدمی بیرون از گستره تحلیل پدیده‌های سیاست خارجی قرار می‌گیرد.

با این همه، و مهم‌تر از گستره وسیعش، تجزیه و تحلیل این تعریف چندان آسان نیست. این امر نه تنها مستلزم آشنایی با پویایی‌هایی است که دولت‌ها به واسطه آن با یکدیگر تعامل می‌کنند بلکه فرایندهای درونی که سیاست خارجی بر مبنای آن شکل می‌گیرد نیز باید مورد بررسی قرار گیرد. نادیده گرفتن این فرایندها به واسطه طبقه‌بندی‌شان به صورت فرایندهای «داخلی» و لذا به منزله فرایندهایی که خارج از حوزه علاقه تحلیل‌گرند در واقع حذف ویژگیهای محوری رفتاری خواهد بود که می‌خواهیم مورد کندوکاو قرار بدهیم. دانشجویانی که به تحلیل پدیده‌های داخلی می‌پردازند، باید درون‌دادهای خارجی را امری ثابت در نظر گیرند، اما این امر در مورد پدیده‌هایی که به سیاست خارجی منتهی می‌شوند صادق نیست. دانشجوی سیاست خارجی یک کشور به نحو اجتناب‌ناپذیری باید دل‌مشغول امور داخلی آن نیز باشد. به عبارت دیگر، وی باید دانشجوی جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و نیز علوم سیاسی، اقتصاد و تاریخ باشد و مسائل موجود در پژوهش مقایسه‌ای را بشناسد. روش‌شناسیهای این رشته به همان اندازه حائز اهمیت‌اند که مشکلات بنیادینی که کشورها در پیوند دادن خود با نظام بین‌الملل با آن روبه‌رو می‌شوند، اهمیت دارند.

خلاصه اینک، پدیده‌های سیاست خارجی بیش از حد پیچیده هستند. این پدیده‌ها درون‌دادهایی را دربر می‌گیرند که می‌توانند منجر به طیفی از برون‌دادها شوند و تغییری جزئی در یکی از درون‌دادها، سبب پیامدهای گسترده‌ای برای برون‌دادهایی می‌شود که می‌پرورانند. از این رو، فرایندهای علی به راحتی قابل پیگیری نیستند. این فرایندها می‌توانند بسیار فرار و دیرپا باشند، هنگامی که تغییراتشان طیفی از درون‌دادهایی را بررسی می‌کنند که از لحظه یک به لحظه دو متفاوت‌اند. این پیچیدگیها را نمی‌توان نادیده گرفت. در واقع پیچیدگیهای مزبور

چنان در سیاست خارجی محوری‌اند که قابل انکار یا چشم‌پوشی نیستند و گزینه‌ای جز در نظر گرفتنشان و رصد کردن پیامدهایشان در موقعیتهای مختلف وجود ندارد. چنین رویه‌ای تحلیل دقیق را تسهیل می‌کند، همان‌گونه که خطر ارائه تصویری ناقص نیز وجود دارد.

ویژگیهای اصلی سیاست خارجی - و ملزوماتی که بر تحلیل‌گران تحمیل می‌کند - در فصول آتی به‌طور کامل مورد بحث قرار خواهد گرفت. نویسندگان این فصلها نسبت به مشکلات رشته و نتایج تحلیل‌شان حساسیتی موشکافانه دارند. آنها نیاز به نظریه و تحلیل تجربی نحوه رفتار کشورها در جامعه بین‌المللی را درک می‌کنند. به‌علاوه، این درک شامل فهم این موضوع می‌شود که چگونه تحلیل باید برای تطبیق با رویکردهای مختلف به رشته تغییر کند.

برای غلبه بر تنوع فراوان پدیده‌هایی که می‌توانند با مطالعه سیاست خارجی مرتبط باشند، می‌باید تا آنجا که به پژوهش مربوط می‌شود برخی از این پدیده‌ها را به عنوان پدیده‌هایی مهم برگزید و باقی را به عنوان پدیده‌هایی بی‌اهمیت کنار گذاشت. این فرایند گزینش، چیزی است که به ابزاری نظری بدل می‌شود. به بیان دقیق‌تر، پدیده‌های گزینش شده باید در ارتباط با یکدیگر بررسی شوند، یعنی به صورت تعاملی، و نظریه پرداز می‌باید پویاییهای فرایندهای تعاملی و نیز متغیرهای داخلی کشور مورد نظر را درک کند. با این همه، ارائه یک چشم‌انداز نظری جامع آسان نیست. فرایند تشریح پویاییهای علی می‌تواند ناامیدکننده و پیچیده باشد. داشتن فهمی عام از پدیده‌ای که بنیان رفتار سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد، کار آسانی است اما اینکه فهم عمومی فرد به فرضیه‌هایی انضمامی، آزمون‌پذیر و مرتبط تبدیل شود خود موضوع دیگری است. به عبارت دیگر، تعیین متغیرهای مستقل - نتایج یک سیاست خارجی - به سرعت درک می‌شود، اما شناسایی و عملیاتی کردن متغیرهای مستقلی که سبب تغییرات در متغیرهای وابسته می‌شوند، فهم فرد از رشته را به چالش می‌کشد. همه چیز، همچون متغیر مستقل، می‌تواند مرتبط به نظر برسد، اما تحلیل‌گر باید گزینش‌گر باشد و بر پویاییهای تمرکز کند که واریانسی را شرح می‌دهند

که مرتبط با تحلیل به نظر می‌رسند. نیازی به تشریح صد در صدی واریانس نیست، چرا که عوامل تصادفی که به سرعت قابل پیش‌بینی نیستند، همواره دخالت می‌کنند؛ اما حتی تبیین نود درصدی آن نیز می‌تواند دشوار باشد. نه تنها تحلیل گران می‌باید اهمیت نسبی عوامل مختلف را محاسبه کنند که همچنین باید درباره اینکه چگونه برخی‌شان با برخی دیگر تعامل می‌کنند صاحب ایده و نظر باشند.

برای نمونه، تمایز میان کشورهای بزرگ و کوچک را در نظر بگیرید. تمایز گذاشتن بین این دو نوع کشور با این نکته مرتبط است که چگونه اندازه یک کشور در اقداماتش در عرصه بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. آیا کشورهای کوچک به خاطر محدودیت‌هایشان در خارج از مرزهای خود تهاجمی‌تر رفتار می‌کنند؟ آیا سیاست خارجی‌شان به خاطر عدم موازنه میان منابعی که در اختیار دارند و منابع کشورهای رقیبشان از برخورد جلوگیری می‌کند؟ آیا اندازه نسبی دشمنان بالقوه‌شان فرایندهای تصمیم‌گیری این کشورها را عقیم می‌گذارد؟ پاسخ به چنین پرسشهایی در نگاه اول آسان نیست و سخت‌تر هم می‌شود اگر ناچار شویم میزان واریانس دخیل را ارزیابی کنیم.

با وجود این، مشکلاتی که در ارزیابی واریانس وجود دارد موجب نشد بسیاری از تحلیل گران عقب‌نشینی نمایند. این تحلیل گران می‌دانند که چنین ارزیابی‌هایی به ناچار دلخواهانه‌اند، چرا که تعداد اندکی از آنان صاحب چشم‌اندازی استوار بر مفاهیم مشخص و دقیق قابل تبدیل به متغیرهای علی می‌باشند. آنان همچنین اذعان دارند که در نظر گرفتن این یافته که «سایر چیزها برابر فرض شوند»، کمکی به حل مسائل تحلیل سیاست خارجی نمی‌کنند. به‌طور معمول سایر چیزها برابر نیستند به نحوی که قرار دادنشان در یک مجموعه با این فرض که برابر می‌باشند، می‌تواند گمراه‌کننده باشد.

پس چگونه می‌توان پیش رفت؟ اگر ابزار مفهومی موجود نتواند فرضیه‌هایی قابل اعتماد ایجاد کند و اگر یک بافتار *ceteris paribus* (همه چیزها برابرند) کاربرد محدودی دارد، تحلیل‌گر چگونه باید با وظیفه چهارچوب‌بندی و بررسی

دیدگاه‌های مهم مواجهه شود؟ پاسخ در تمرکز بر ظرفیت و نقاط قوت تحلیل مقایسه‌ای به جای توجه به اشکالات آن است. اگرچه مبانی سیاست خارجی یک کشور ابهام‌آمیز است با این حال آنچه را که منبع اصلی ابهام محسوب می‌شود، می‌توان بررسی نمود و فاکتورهایی را که می‌توانند تحلیل را تضعیف نمایند، مشخص نمود. تمرکز بر موانع یک پژوهش، مطمئناً موجب خواهد شد، حداقلی‌هایی که می‌توان از داده‌های مادی مشاهده‌شدنی کسب کرد نیز مورد توجه قرار نگیرد.

بهترین روش برای ادامه کار مشخص نمودن متغیرهای مستقلی است که با پدیده‌ای مرتبطاند که قرار است تبیین شود، حتی در صورتی که تأیید شود کل واریانسی که این متغیرها تشریح می‌کنند ممکن است از صد در صد کمتر باشد. چنین تأییدی یک گزاره درباره یک واقعیت نیست، بلکه نشان از محدودیت‌هایی دارد که بر تحلیل اعمال می‌شود. به علاوه، هرچند تنها هشتاد یا نود درصد واریانس تبیین می‌شود، اما چنین یافته‌هایی، علی‌رغم این واقعیت که از تبیین کامل درمی‌مانند، ارزشمندند. در واقع هدف نه توضیح کامل تغییرپذیری<sup>۱</sup> که تبیین آن به قدر کفایت برای گسترده نمودن درک ما از پویاییهای دخیل در یک موقعیت خاص است. پدیده‌های سیاست خارجی چنان پیچیده‌اند که نمی‌توان انتظار توضیح کامل پویاییهای دخیل در یک موقعیت خاص را داشت. تنها مقایسه دقیق این پویاییها و استخراج جمع‌بندی‌هایی درباره گرایش‌های محوری که ترسیم می‌کنند، کفایت می‌کند. خوانشی دقیق از فصول آتی نشان می‌دهد که تداوم این مسیر می‌تواند نگرش‌هایی عمیق و مهم درباره شیوه‌های متنوع تعامل جوامع با محیط‌های بیرونی‌شان ارائه نماید.

هرچند بیشتر متغیرهای مستقل مرتبط، به میزان کافی در ادبیات و متون سیاست خارجی ارزیابی شده‌اند، اما دو متغیر در این میان کمتر مورد اشاره قرار گرفته و لذا می‌تواند در اینجا به نحو متمر ثمری مورد شرح و تبیین قرار گیرد. یکی از این متغیرها را انقلاب مهارتی<sup>۲</sup> و دیگری انفجار سازمانی<sup>۳</sup> نام‌گذاری کرده‌ام. هر یک از این دو

---

1. variability  
2. skill revolution  
3. organizational explosion

متغیر به میزان مکفی واریانس را برای تضمین تقویت آن شرح داده و در ترکیب با یکدیگر به نحو چشمگیری اقدامات سیاست خارجی کشورها را شکل می‌دهند.

### انقلاب مهارتی

شواهد قابل اعتنایی وجود دارد که نشان می‌دهد مردم در هر کشور و اجتماعی در سراسر جهان به واسطه مجموعه‌ای از تعاملات، به نحو فزاینده‌ای قادر به پیگیری رویدادهای رخ داده در مسافتهای دوردست، از منزل و کتابهای جیبی‌شان، هستند. انقلاب مهارتی سه بعد اصلی دارد؛ تحلیلی<sup>۱</sup>، عاطفی<sup>۲</sup> و تخیلی<sup>۳</sup>. بعد تحلیلی شامل استعداد ذهنی می‌شود، یعنی توانایی رو به گسترش برای پیوند دادن سیر حوادث با موقعیت فردی یک ناظر. مردم با کمک اینترنت و سایر اختراعات فناورانه، بیش از پیش قادرند سناریوهایی بیافرینند که نشان می‌دهد چگونه موقعیت آنان در عرصه‌های سیاست جهانی در زندگی و رفاهشان تأثیر می‌گذارد (روزنا، ۲۰۰۳: فصل دهم). فرض بر آن است که بسط و توسعه مهارتها به واسطه افزودن نمایش‌نامه‌هایی جدید به نمایش‌نامه‌هایی روی می‌دهد که مردم به منظور فهم و ارزیابی موقعیتهایی که به نظرشان جالب است به کار می‌گیرند. بعد عاطفی انقلاب مهارتی بر شیوه‌ای تمرکز می‌کند که مردم موقعیتهای را احساس می‌کنند، آنها را به صورت خوب یا بد مورد قضاوت قرار می‌دهند، از آن استقبال می‌کنند یا مورد تهدید قرار می‌دهند، ظرفیتهایی که در نتیجه جهانی که رفته رفته کوچک‌تر می‌شود و تأثیر مستقیم‌تری در زندگی روزمره انسانها می‌گذارد توسعه می‌یابد. بعد تخیلی نیز به ظرفیت مردم برای تصویر نمودن شرایط، سبکهای زندگی، آینده‌های بدیل، خانواده‌ها و سازمانهای ایجاد شده‌شان اشاره دارد.

مواد لازم برای خیال‌پردازی گسترده به میزان بسیار در همه بخشهای جهان در دسترس است. این مواد شامل تلویزیون جهانی، سریالهای عامه‌پسند، نامه‌هایی از

---

1. analytic  
2. emotional  
3. imaginative

آشنایانی که به عنوان مستخدم در هنگ کنگ کار می کنند، پسرخاله‌ها و دخترخاله‌هایی که در عربستان سعودی شغلی پیدا کرده‌اند و فرزندان که با همسرانی خارجی ازدواج می کنند، می شود. تجربه آن فرایندهای یادگیری که نویسندگان نامه‌ها گزارش می کنند در مقایسه با دریافت کنندگان نامه‌ها بی واسطه‌تر است. اما با این حال این امر می تواند کمکی مهم به مهارت‌های جهانی تر کسانی باشد که سفر نمی کنند. حتی نامها و تماسهای تلفنی بستگانی که در خارج زندگی می کنند، می تواند به همان اندازه در پیچهای باشد به روی هنجارها و اعمال مردمانی که در برنامه‌های تلویزیونی مشاهده می شوند. این مشوقها به طور خاص برای مردم کشورهای در حال توسعه‌ای مناسب‌اند که شرایطشان پیش از این سبب می شد تماسهایشان با سایر فرهنگها و سبکهای زیستی بدیل محدود گردد. در واقع، از دیدگاه کسانی که مدت زمان طولانی به واسطه واقعیت‌های زندگی زیر یا بالای خط فقر بوده‌اند، آزاد کردن ظرفیتهای تخیلی‌شان در میان نیرومندترین نیروهای دخیل در جهان امروز قرار دارد.

### انفجار سازمانی

در کنار انفجار جمعیت، در سالهای اخیر شاهد افزایش چشمگیر تعداد مؤسسه‌های داوطلبانه‌ای<sup>۱</sup> هستیم که به صحنه جهانی وارد شده‌اند. در همه بخشهای جهان و در همه سطوح اجتماع، مردم - عادی و نخبگان و فعالیتهای آنان - گرد هم آمده‌اند تا تلاشهایشان را از جانب نیازها و اهداف مشترک یک کاسه کنند. آمارهای دقیق در مورد میزان این الگو وجود ندارد (به طور عمده به این خاطر که میزان زیادی از آن در سطوح ملی رخ می دهد و لذا گزارش نمی شود)، اما برخی معتقدند شتاب شکل گیری نهادهای جدید و گسترش نهادهای قدیمی قابل توجه است، به نحوی که می توان آن را به منظور درک میزان رشدش، انفجار نامید. برای نمونه، برآورد شده است که در سال ۱۹۷۹، اندونزی تنها یک سازمان زیست محیطی مستقل داشت،

---

1. voluntary associations

در حالی که در سال ۱۹۹۹ بیش از دو هزار سازمان به شبکه زیست‌محیطی در  
جا کارتا متصل بودند.

گنجاندن دو متغیر انفجار سازمانی و انقلاب مهارتی در تحلیل پویایی‌هایی که  
سیاست خارجی را شکل می‌دهند، کار آسانی نیست. با وجود این انجام ندادن این  
کار انحراف بزرگی در تحلیل خواهد بود. بدیهی است آنچه کشورها در بیرون از  
مرزهای خود انجام می‌دهند به میزان زیادی به مهارت مردم آن کشورها و  
سازمانهایی بستگی دارد که مهارت‌های مزبور را به رفتار بیرونی‌شان پیوند می‌دهند.  
این دو متغیر با یکدیگر بخش اعظمی از واریانس را از کشوری به کشور دیگر و  
زمانی به زمان دیگر شرح می‌دهند.